

# گزارش

## مقدمه

در چارت ارائه شده موضوع ادبیات و معماری در 5 دسته کلی مورد بحث قرار گرفته است:

1- مفاهیم مشترک ادبیات و معماری 2- ارتباط ادبیات و معماری در بستر اجتماعی 3- ارتباط ادبیات و معماری در بستر فرهنگی 4- ارتباط ادبیات عرفانی و معماری اسلامی 5- ارتباط ادبیات و معماری در بستر تاریخی

در بخش یک ابتدا ادبیات و معماری را از منظر واژگان و مفاهیم مشترک در دو دسته مفاهیم پایه و مفاهیم حوزه زیباشناسی که هر یک شامل زیرمجموعه هایی نیز هستند بررسی کرده و اشتراکات لفظی و محتوایی این دو حوزه مشخص شده است. در بخش بعدی نقش ادبیات و معماری و در واقع تاثیر پذیری و تاثیرگذاری این دو در تحولات اجتماعی که در طی زمان به وقوع پیوسته مشخص میگردد. در بخش سه ادبیات را به عنوان زبانی که وجه اشتراک میان ایران و کشورهای همسایه میباشد و موجب انسجام فرهنگی با سرزمین های دیگر میگردد، بررسی کرده و از این طریق تاثیرگذاری ادبیات و فرهنگ ایران را بر معماری سرزمین های نزدیک اثبات میکند.

در بخش بعدی نوع خاص از ادبیات و معماری (ادبیات عرفانی و معماری اسلامی) را بدلیل گستره بودن حوزه مطالعاتیشان به صورت جداگانه بررسی کرده و ارتباطشان را مورد مطالعه قرار داده و در بخش آخر نیز ادبیات و معماری را در طول دوره های مهم تاریخی که شاهد تغییر و تحولاتی در ادبیات و معماری بودیم مثل سلجوقیان، ایلخانیان، تیموریان، صفویان و معاصر. مورد توجه قرار داده است. لازم به ذکر است که در یک دسته بندی بسیار کلی میتوان ارتباط معماری و ادبیات را از دو جنبه بررسی کرد 1. نمود معماری در ادبیات 2. نمود ادبیات در معماری. مورد اول در واقع کاربرد اصطلاحات معماری در ادبیات است. که خود دوبخش دارد: در بخش اول شاعران و نویسندگان از کلماتی مانند کاروانسرا، خانه، طاق و... استفاده کرده اند تا مفاهیم و مطالب ذهنی، حکمی و عبرت آموز را برای خوانندگان ملموس تر نمایند و مفهوم و مقصود خود را برسانند.

در این راستا از آرایه های مختلف ادبی چون تشبیه، استعاره، اسلوب معادله، کنایه و... استفاده کرده اند؛ تا بر تاثیرگذاری کلام خود بیفزایند. تعدادی از آن ها در زبان فارسی به عنوان ضرب المثل به کار می رود. بخش دوم: اشاره به بناها و ساختمان هایی که ضمن داستان ها آمده است. با خواندن این آثار با شیوه ی معماری در دروه های مختلف آشنا می شویم و از نحوه ی کار معماران به عنوان افرادی هنرمند آگاهی می یابیم به گونه ای که گوشه های مبهم تاریخ معماری ایران برای همگان آشکار می شود.. 3- استفاده از اشعار و جمله های زیبا در کاشی کاری ها و گچ بری ها که در سردر عمارت ها، و رودی ها، گنبدها و..... دیده می شود این موضوع، جلوه ی ادبیات در معماری است. این دسته بندی به دلیل کلیتی که دارد اجازه بررسی از منظرهای مختلف را نمیدهد و در چارت ارائه شده آورده نشده است اما در مرحله بعد در قالب دسته های ارائه شده همراه با مثال هایی توضیح داده شده است. حال طی گزارشی که در ادامه آورده شده است به بررسی عمیق تر هر کدام از موضوعات به صورت مجزا میپردازیم.

## ۱. مفاهیم مشترک ادبیات و معماری

معماری و ادبیات به عنوان دو شاخه از هنر، مانند بسیاری از هنرهای دیگر، در ابعاد مختلف معنا و صورت تشابهات زیادی دارند و این مشابهات به ویژه در کاربرد لفظی واژگان و مصطلحات نمودی خاص دارد. (خامسی همامنه، ۱۳۶۷، ۱۶۰) بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات در شاخه‌های هنری از جمله ادبیات و معماری حداقل از جهت صوری و لفظی مشترک‌اند. واژه‌هایی چون فضا، فرم و ساختار، ریتم و وزن، سبک و... . شایان ذکر است که بسیاری از این واژه‌ها در کاربرد مفهومی خود در دو هنر مذکور نزدیک به هم و مشابه هستند. اما گروه دیگری از واژه‌ها و اصطلاحات تنها در کاربرد لفظی مشترک‌اند و در کاربرد مفهومی رابطه دقیق و شفافی ندارند. آنچه مسلم است اشتراک لفظی و کاربردی این واژه‌ها و اصطلاحات در برخی موارد آنچنان است که تردیدی باقی نمیگذارد که خاستگاه و منشا وجودی آنها از منبعی واحد بوده است حال می‌خواهیم به تبیین و توضیح مفهوم تعداد زیادی از واژه‌های مشترک معماری و ادبیات بپردازیم بدون آنکه هدف برقراری رابطه مفهومی این اصطلاحات در این دو علم باشد. مفاهیم مشترک حوزه ادبیات و معماری را به دو قسمت مفاهیم پایه و مفاهیم زیباشناسی تقسیم می‌کنیم: (خامسی همامنه، ۱۳۶۷، ۱۶۰)

### ۱-۱- مفاهیم پایه

#### ۱-۱-۱- فضا

در تمام هنرها، ایجاد نوعی فضای عاطفی و روحی، یکی از اهداف هنرمندان است در هنر معماری، فضا منزلتی خاص دارد. معمار هنرمند نیز، چون دیگر آفرینندگان هنر قادر است با ایجاد فضاهای گوناگون، همان تأثیرات عاطفی و روحی را القا کند. همانطور که یک قطعه شعر قادر است، فضایی سخت عرفانی و اشراقی و الهی ایجاد کند.<sup>۱</sup> (خامسی همامنه، ۱۳۶۷، ۱۶۱)

احسان خوش بخت درباره فضای خیال می‌نویسد: فضا خیال و خیال فضاست. هر چیزی که انسان را که انسان به آن فکر می‌کند و یا در خیال خود می‌پروراند دارای فضایی است. فضا وجود مادی ندارد؛ ولی این قابلیت را دارد که در وجود خود عناصر مادی و معنوی را جای دهد انسان تنها زمانی قادر است حالتی خاص، مثلاً ناراحتی یا خوشحالی را به فرد دیگر منتقل کند که فضای غمگین یا شاد ایجاد کرده باشد و این فضا نیز توسط دیگران قابل درک باشد.<sup>۲</sup> (صادق زاده، ۱۳۹۵، ۱۹۳) یک هدف مشترک در همه اشکال

<sup>۱</sup>(ملاح، ۱۳۶۹، ۳۷)

<sup>۲</sup>(خوشبخت، ۱۳۸۸، ۲۸۸)

هنر، شکل دادن به یک فضای معنوی است<sup>۳</sup> (Azari Karimi, A. et al, 2015, 1173) زیگفرید گیدوئن، یکی از تأثیرگذارترین مدافعان مدرنیسم، نویسنده ای است که بیشتر به واقعی جلوه دادن مفهوم فضا کمک کرده است. به عقیده گیدوئن سه نگرش کاملاً متفاوت نسبت به فضا یا عبارت دیگر سه مرحله در سیر تحول تصور فضایی در طول تاریخ معماری، قابل بررسی است. او در این سه مرحله، بین سه مفهوم اصلی تفاوت قائل شده است: ۱- اولین مفهوم فضای معماری، توجه به فضای خارجی ساختمانها، ترکیب احجام ساختمانهای مختلف با یکدیگر آنها بر یکدیگر، جلوه گر ساختن قدرت احجام و تاثیر و تاثر آن ها بر یکدیگر بوده است. ۲- دومین مفهوم فضای معماری، توجه به فضای داخلی ساختمانهاست<sup>۳</sup>- سومین مفهوم فضا که هنوز هم در مرحله تکامل است، شامل تاثیر و تاثر فضای داخلی و خارجی بر یک دیگری (ترکیب فضای داخلی و خارجی ساختمان ها) میباشد. (خامسی همامنه، ۱۳۶۷، ۱۶۱) در ادبیات نیز فضا حال و هوایی است که از رهگذر کلیت اثر آفریده میشود. در واقع فضا کل تاثیر زیبایی شناختی یک اثر ادبی یا هنری، حال و هوای غالب بر آن، تاثیر عاطفی یا کشمکش و گیرایی اثر است. . به طور کلی، حال و هوایی را که خواننده با ورود به دنیای یک اثر ادبی احساس میکند، فضا مینامند. فضا گاهی شاد یا غمگانه، خیال انگیز یا رعب آلود یا دردناک و آکنده از زشتی ها و فجایع است.<sup>۴</sup> (خامسی همامنه، ۱۳۶۷، ۱۶۱)

شعرا نگرش خاص خود را از طریق فضای شعر خود به دیگران منتقل مینمایند. و چون انسانها دارای قالب های فکری مختلف میباشد، هر کدام نگرش خاص به خود دارند. نتیجه این امر ایجاد زبانهای گوناگون در شعر است که هر کدام تنها مختص به یک فرد میباشد و به راحتی میتوان آنها را از هم تمیز داد<sup>۵</sup> (خامسی همامنه، ۱۳۶۷، ۱۶۱) فضا و جو در داستان فضای ذهنی داستان است که نویسنده آن را به وجود می آورد. در صحنه تئاتر، مثلاً جو را با گذاشتن دکور و تنظیم نور به وجود می آورند و در داستان با عبارات و توصیفات.<sup>۶</sup> (خامسی همامنه، ۱۳۶۷، ۱۶۱) ناگفته پیداست مفهوم فضا در ادبیات و معماری صرف نظر از تفاوت های کاربردی که دارند در مجموع در ایجاد فضای ذهنی برای خواننده و بیننده که غالباً بر اساس فرهنگ جامعه و دیدگاه پدیدآورندگان آن رقم خورده است تشابهات غیرقابل انکاری دارند. (خامسی همامنه، ۱۳۶۷، ۱۶۱)

#### ۱-۱-۲- فرم

شکل یا فرم عبارت است از ترکیب عناصری که یک مجموعه کامل و زنده را به وجود می آورد و عاملی است که هماهنگی میان عناصر را برقرار میسازد.<sup>۷</sup> (خامسی همامنه، ۱۳۶۷، ۱۶۱)

<sup>۳</sup> (Adinehfar, A. et al, 2014)

<sup>۴</sup> (رضایی، ۱۳۸۲ و ۲۳ و ۲۲ (شمیسا، ۱۳۷۴، ۱۶۴)